



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۵ بهمن ۱۴۰۲
مصادف با: ۲۳ رجب ۱۴۴۵
جلسه: ۷۷

موضوع کلی: امارات و ظنون
موضوع جزئی: ۱. ظواهر - مقدمه - حجیت ظواهر مسئله اصولی است؟
سال پانزدهم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد و آله الطاهیرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

۱. ظواهر

مقدمه

در بحث از امارات و ظنون تا اینجا سه مقدمه بیان شد:

۱. مقدمه اول اینکه آیا امکان تعبد به ظن وجود دارد یا خیر؟ مفصل در این باره بحث شد و برخی از انظار و آراء مورد رسیدگی قرار گرفت.

۲. مقدمه دوم پیرامون تأسیس اصل در مسئله بود. به این معنا که اگر ما در حجیت و اعتبار اماره‌ای شک کردیم اصل اولی چیست؟ نتیجه این شد که اصل اولی عدم حجیت است.

۳. مقدمه سوم پیرامون مجعول در باب امارت بود. اینکه در باب امارات و ظنون بر فرض قائل به اعتبار شویم، چه چیزی جعل شده است؟ آیا اصلاً چیزی جعل شده است یا خیر؟

اینها مطالب مقدماتی سه گانه بود که از ابتدای بحث امارات و ظنون تا اینجا مطرح کردیم.

اکنون بحث در مصادیق این امارات است. ببینیم کدام یک از امارات دلیل بر اعتبار و حجیتش وجود دارد و کدام یک اینچنین نیست. ما باید چند مورد را باید بررسی کنیم؛ مثلاً ظواهر کلمات شارع، کلمات شارع در قالب آیات و روایات متجلی شده است، ظواهر آیات و روایات، به طور کلی ظواهر کلمات و سخنان شارع برای ما حجیت دارد یا خیر؟ ادله‌ای که در این رابطه بیان شده را بررسی کنیم. یا مثلاً قول لغوی حجیت دارد یا خیر؟ اجماع منقول، شهرت فتوائیه، خبر واحد، اینها دلیل بر حجیتشان ذکر شده و باید مورد بررسی قرار گیرد.

مواردی نیز وجود دارد که حجیتشان مقطوع العدم است، مثل قیاس، استحسان، مصالح مرسله، سد ذرایع، فتح ذرایع، اینها همه امارات ظنیه هستند اما دلیلی بر اعتبارشان قائم نشده است.

اولین موردی که ما به تبع محقق خراسانی در مورد آن بحث می‌کنیم ظواهر است. آیا ظواهر حجت هستند و دلیل بر اعتبارشان داریم؟

حجیت ظواهر مسئله اصولی است؟

قبل از آنکه به کلمات محقق خراسانی بپردازیم ابتداً یک نکته‌ای را مناسب است اشاره کنیم و آن اینکه محقق خوبی فرمودند که بحث از حجیت ظواهر از مسائل علم اصول نیست، زیرا یک امری است که به طور کلی در همه علوم هیچ کس در آن تردید ندارد،

یعنی اصل حجیت ظواهر مورد قبول همگان است و لذا یک امر بدیهی و واضح است. بنابراین از مسائلی نیست که بخواهد در علم اصول بخواهد بحث شود.

لکن به نظر می‌رسد بر اساس ضابطه‌ای که برای علم اصول ذکر کردیم بدون تردید این از مسائل علم اصول است. ضابطه مسئله اصولی وقوع در قیاس استنباط به عنوان کبری است، یعنی هر مسئله‌ای که بتوان آن را به عنوان کبری قیاس استنباط مورد استفاده قرار داد مسئله اصولی است. مثل این قیاس که می‌گوییم:

صیغه امر ظهور در وجوب دارد. کل ظاهر حجة. نتیجه این می‌شود که ظهور صیغه امر در وجوب حجت است.

اینجا الان کل ظاهر حجة به عنوان کبری در قیاس استنباط مورد استفاده قرار گرفته. بنابراین اینکه ما این بحث را از مسائل علم اصول ندانیم مردود است.

محقق خراسانی در کفایه بحث از ظواهر را اینگونه شروع می‌کند:

اولا دلیل می‌آورد بر حجیت ظواهر، اینکه چرا ظواهر حجت هستند، البته فی الجمله زیرا یک اختلافاتی در مورد حجیت ظواهر وجود دارد که آن را اشاره می‌کنیم. ایشان می‌گوید فی الجمله ظواهر حجت هستند و یک دلیلی بر حجیت ظواهر اقامه می‌کنند.

سپس به چند جهت در باب ظواهر اشاره می‌کنند که موجب اختلاف شده و آنها را بررسی می‌کنند و بعد هم به بعضی از نکاتی که می‌پردازند که آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

سوال:

استاد: اصلا معنایش همان است که بین عقلاء رواج دارد.

سوال:

استاد: چرا ندانند؛ ... اتفاقا منافاتی ندارد... اولاً می‌خواهیم ببینیم معنای حجیت چیست؟

سوال:

استاد: هر کدام از این آقایان حجیت را به معنای مورد نظر خودشان می‌گیرند، یعنی محقق خراسانی وقتی می‌گوید ظاهر حجت است یعنی منجز و معذر است؛ محقق نایینی می‌گوید یعنی طریق الی الواقع، محقق اصفهانی می‌گوید ما یصح الاحتجاج به، شیخ انصاری می‌گوید یعنی شما باید ملتزم شوید به مودای اماره؛ عمده این است که به هر معنایی که باشد جای بحث دارد که آیا حجت است یا خیر؛ به علاوه التزام به هر یک از این معانی به معنای نفی دیگری نیست.

ما یک وقت بحث داریم مجعول در باب امارات چیست؟ که بحث آن گذشت؛ اگر مثلاً محقق اصفهانی می‌گوید به معنای ما یصح الاحتجاج به است منکر اثر عقلی منجزیت و معذرت نیست، آن به جای خودش باقی است، یعنی هر معنایی اراده شود بالاخره این حقیقت را که پاداش و عقاب بر موافقت و مخالفتش مترتب می‌شود انکار نمی‌کند، یا آن کسی که می‌گوید این منجز و معذر است معتقد است عند العرف نیز این طریق الی الواقع است.

یعنی آثار عقلی، آثار تکوینی، اینها هیچکدام انکار نمی‌شود. فقط یک مسئله است و آن اینکه ما این آثاری را که وجود دارد را از چه زوایای بنگریم.. یک وقت می‌گوییم حجیت به چه معناست و می‌خواهیم حجیت را معنا کنیم و یک وقت می‌گوییم مجعول در

باب امارات چیست؟ معنای حجیت ما قبلا هم کرارا هم گفتیم، محقق اصفهانی می‌گوید همین معنا مجعول است و شارع نیز این را جعل کرده است، همه اینها وجود دارد و ما انکار نمی‌کنیم، معذر و منجز است، طریق است؛ ولی ما به چه معنا می‌دانیم؟ اولاً اینکه گفتیم که این را به چه معنا بدانیم چندان تأثیری در بحث حجیت ندارد، ...

سوال:

استاد: اینکه مجعول چه باشد یک بحث دیگری است.

سوال:

استاد: درست است؛ ولی هر کدام از اینها که باشد نافی لوازم و آثار نیست.

سوال:

استاد: ما اصلاً حرف دلیل را نزدیم. ما دلیل نیاوردیم؛ اولاً یک اختلافی بود بین آنچه که ما گفتیم و امام خمینی گفتند. امام خمینی گفتند اصلاً در باب امارات شارع مجعولی ندارد. فقط امضا کرده چیزی را جعل نکرده است ولی ما می‌گوییم جعل امضایی دارد.

سوال:

استاد: اینطور نیست، امام خمینی که می‌گوید ما در باب امارات مجعول نداریم، یعنی حجت نیست؟ لازمه حرف شما این است؛ امام خمینی می‌گوید شارع در باب امارات مجعولی ندارد، آیا مجعولی ندارد یعنی اماره به نظر ایشان حجت نیست؟ خیر، امارات حجت هم هستند ولی شارع جعلی ندارد، اینها که با هم ملازم نیستند.

سوال:

استاد: شارع این را امضاء کرده است.

سوال:

استاد: ببینید عقلاء چه کار می‌کنند، عقلاء به اماره چگونه نگاه می‌کنند؟

سوال:

استاد: پس بین مجعول بودن و حجیت ملازمه نیست. مجعول بودن یعنی از طرف شارع جعل شده و بحثی هم که داشتیم در باب امارات این بود که چه چیزی مجعول است و شارع چه چیزی را جعل کرده است؟ امام خمینی فرمودند که شارع چیزی را جعل نکرده است و تنها امضاء کرده است، البته ما گفتیم امضاء نیز همان جعل است. پس بین مجعول بودن و حجیت ملازمه نیست.

شما می‌گویید صرف نظر از اینکه در باب امارات چیزی جعل شده است یا خیر، بالاخره ما وقتی بحث از حجیت امارات می‌کنیم این یعنی چه؟ عرض ما این است این حجیتی که ما از آن بحث می‌کنیم هر یک از این آقایان به یک معنایی گرفتند. محقق خراسانی، محقق نایینی، محقق اصفهانی و شیخ انصاری هر یک به یک معنایی گرفتند؛ ما نیز می‌گوییم حجیت برای ظواهر و خبر ثقه و ... ثابت است، یعنی این یک بنای عملی است که مورد تأیید شارع قرار گرفته است. این بنای عملی در هر موردی متفاوت است. ما کلی نمی‌توانیم بگوییم بنای عملی در امارات این است. در مورد ظواهر می‌آییم این بنای عملی را تشریح می‌کنیم و دیگر لازم نیست

دنبال یک معنایی برای حجیت باشیم. می‌گوییم حجیت در اینجا یعنی به رسمیت شناختن آنچه که نزد عقلاء جریان دارد، ما لازم نیست دیگر معنای دیگری بکنیم. اتفاقاً این محل اشکال است که آنچه که نزد عقلاء است را معنا کنیم، می‌گوییم آن یک بنای عملی است، یک روش عملی است، این بناء و روش عملی در هر موردی متفاوت است، مثلاً در مورد ظواهر می‌آییم تحلیل می‌کنیم و می‌گوییم بناء و روش عقلاء اینچنین است، در مورد خبر ثقه می‌گوییم روش عقلاء این است، در مورد شهرت این است، روش‌ها در هر موردی متفاوت است و لذا طبق مبنای خودمان وقتی می‌گوییم ظواهر حجیت دارند یعنی آن بنای عملی و روش عملی عقلاء در مورد ظواهر به امضاء شارع رسیده است.

سوال:

استاد: همه این را قبول دارند، ما تبعاً للامام الخمینی می‌گوییم همین وجود دارد چرا شما دنبال یک چیز اضافه هستید، چرا زائداً بر این دنبال این هستید که یک معنا و جعلی درست کنید؟ همین کافی است.

سوال:

استاد: ایشان می‌گویند شارع این را جعل کرده است، یعنی یک راهی مستقل از عقلاء طی کرده و این اشتباه است.

سوال:

استاد: طبق نظر آقایان و اختلافی که آنها دارند هست، ولی حصیله بحث و آن اختلافی که با آقایان وجود دارد این است که:

۱. هیچ ضرورتی ندارد شارع در باب امارات مجعولی داشته باشد.

۲. ضرورتی ندارد که ما به دنبال این باشیم که حجیت را در اینجا معنا کنیم. ما می‌گوییم حجیت به معنای امضای روش و بنای عملی عقلاء است، وقتی می‌گوییم ظواهر حجت هستند یعنی روش و بناء و سیره عملی عقلاء در مورد ظواهر به امضاء شارع رسیده است و آن را تأیید کرده است و حجیت یعنی این، یعنی امضاء و مهر شارع پای آنچه که عقلاء انجام می‌دهند در مورد ظواهر. اگر می‌گوییم خبر ثقه حجت است یعنی امضاء شارع پای آن سیره عملی عقلاء در مورد خبر ثقه خورده است. این چه اشکالی دارد؟ چرا ما باید اصلاً برویم سراغ چیزی وراء این؟ همین کافی است. شما می‌گویید حجیت یعنی چه؟ ما می‌گوییم چه کسی گفته است که حجیت را یک معنایی خاصی برایش بکنی؟ چه کسی گفته است که باید دنبال دلیل باشی که حجیت معنایش این است؟ دنبال دلیل باشی که شارع یک چیزی را در باب امارات جعل کرده است؟ نه، ما می‌گوییم جعل مستقلی ندارد و به قول امام خمینی اصلاً مجعول نیست. معنای حجیت نیز یعنی تأیید شارع نسبت به ظواهر. کجای این مطلب نقص و اشکال دارد و کجا با مطالبی که گفتیم ناسازگار است؟ شما اصرار می‌کنید که بالاخره یک معنایی از حجیت باید داشته باشیم. اصلاً ما می‌گوییم هیچ معنایی نداریم، اصلاً وقتی می‌گوییم حجیت وقتی می‌گوییم الظاهر حجة یعنی الظاهر موجد من ناحیه الشارع با این بیانی که عرض کردیم، یعنی امضاء شارع پای آن خورده است. آنها دارند معنا می‌کنند به منجزیت و معذرت؛ کسی که می‌گوید حجیت به این معناست باید دلیلی برای آن بیاورد، او چون ادعا میکند شارع برای حجیت یک راه خاصی را طی کرده است، چون اینچنین است باید برای آن دلیل بیاورد لذا شما دیدید که عمدتاً ادله احتمال اول تا پنجم مستند به یک سری ادله اثباتی و آیات و روایات بود. غیر از این است؟ ولی ما گفتیم چیزی نمی‌خواهیم و لازم نیست از آیات و روایات دلیل بیاوریم. ما می‌گوییم شارع طریقه‌ای از غیر طریقه عقلاء در این امور

ندارد و امضاء و تأیید شارع را نیز نسبت به این مسئله کشف کردیم. همین کافی نیست؟ آیا باید بگوییم آقا این دلیل است و معنای حجیت چیست؟ ما می‌گوییم حجیت همین است، چیزی غیر از این نیست.

سوال:

استاد: همه نیز دلیلشان بناء عقلاء است، حتی محقق خراسانی که الان دلیلشان را برای شما نقل می‌کنم. محقق خراسانی که حجیت را معنا کرده و گفته حجیت به معنای مجزیت و معذرت است و معتقد است که توسط شارع جعل شده، اصل دلیلش برای حجیت ظواهر همین سیره عقلایی است و اینکه امضاء شارع پای آن است.

سوال:

استاد: دلیل آقایان اکثراً این است ولی اشتراک در دلیل لازمه اش این نیست که پس همه باید یک معنا از حجیت ارائه دهند و همه باید مجعول را یک چیز بدانند، اینها چند وادی متفاوت است، معنایی که شما گفتند و اینکه مجعول کدام است اینها با هم فرق دارد ولی در عین حال می‌تواند دلیل همه یکی باشد. فرق ما با دیگران در این است که ما می‌گوییم شما همه قبول دارید (البته با یک بیان ساده) دلیل حجیت ظواهر این است، می‌گوید خیلی خوب، اگر دلیل حجیت ظواهر این است، پس چرا بی خود تلاش کنیم بگوییم اینجا یک چیزی را شارع جعل کرده است به غیر از روش عقلاء، بنابراین نفی جعل توسط شارع می‌شود. چه دلیلی دارد که ما برای حجیت یک دلیل خاصی بیان کنیم. این خیلی روشن است.

پس اشتراک دلیل بین این انظار مقتضی یکسانی انظار در معنا و مفهوم حجیت نیست، این مستلزم یکسانی اینها در مجعول نیست، اینها روشن است، دو سه مسئله است و از هم جداست و هر کدام یک اقتضایی دارد.

بنابراین بحث از حجیت ظواهر به عنوان یک مسئله اصولی اولین بحثی است که اینجا ما درباره آن وارد بحثش می‌شویم. عرض کردیم که محقق خراسانی اولین مسئله ای که اینجا بیان می‌کند دلیل بر حجیت ظواهر است که ما این دلیل را بعداً می‌گوییم. دومین مطلب که ایشان بیان کرده اقوالی است که در اینجا مطرح است. اینجا چند قول وجود دارد در باب حجیت ظواهر که ناشی از آن جهاتی است که اینجا منشأ اختلاف شده است. چون جهات مختلف است لذا چهار قول اینجا در باب حجیت ظواهر ذکر شده است که این اقوال را می‌گذاریم برای جلسه بعد.

«الحمد لله رب العالمین»